

ادامه از صفحه اول

ریشه‌یابی فساد و مهار آن

معمولا در جبهه جنگ و شهادت، سمت‌هایی نظیر فرمانده گروهان، گردان و… که محل خون و شهادت هستند، فرصت‌طلبان جمع نمی‌شوند، بلکه پروانه‌ها دور شمع جمع می‌شوند و می‌سوزند. لذا شرکت‌های پر از پول و پیمان‌ه و نظارت‌ترت ضعیف محصل خوبی برای دست‌درازی هستند. شرکت‌های خصوصی دو دسته هستند؛ شرکت‌های سهامی خاص و با سهامداران محدود، مدیران این دسته نیازی به نظارت بیت‌المالی ندارند؛ چون نظام حقوق تجارت و انگیزه بخش خصوصی اسباب نظارت بر منافع حقوق صاحبان سهام را فراهم می‌کند. اما شرکت‌هایی که سهامی عام هستند و سهامداران کثیری دارند، اگرچه می‌توانند صد درصد خصوصی باشند، مانند بسیاری از شرکت‌های واردشده در بازار اوراق بهادار (شرکت‌های اصطلاحا بورسی) که سهامدار میلیون نفری دارند؛ به‌علاوه شرکت‌های وابسته به بخش عمومی اعم از دولتی و غیردولتی نیز به نظارت حرفه‌ای دارند؛ چون اولاً بودجه و سرمایه در گردش بالاست و اغلب سمت‌های مربوطه نیز نمود (پوستیژ) دارند و در ثانی مهار سامانه نظارتی نیز به طرق مختلف امکان‌پذیر است، ثالثاً مدیریت و مالکیت از یکدیگر جدا هستند، لذا به این دلایل برای بهره‌برداری شریین می‌شوند. جالب است افرادی که غیرقانونی سالیان درازی حداقل هم‌زمان دو شغل رسمی داشته‌اند، به‌راحتی سمت بالا می‌گیرند؛ در سوابق خود یکی را مطرح نمی‌کنند و اگر سه مقطع مدرک گرفته‌اند، فقط مقطعی را مطرح می‌کنند که از دانشگاه بهتری بوده و به‌عنوان دانش‌آموخته آنجا بوده‌اند؛ و هیچ نظام راست‌نمایی در این میان وجود ندارد. انتخاب آنها از روی نیاز شرکت با مؤسسه به خدمات آنها نیست، از روی نیاز آنها به آن جایگاه‌هاست؛ و این‌طور بیت‌المال دستخوش آسیب می‌شود. معمولا عوامل انحراف حول چند محور است؛ فحشا (تسلیم پرستوشدن)، وعده میز و بالاتر رفتن مدیریت، رشد مالی و سرمایه‌داری‌شدن، اهم موارد درباره این سه حوزه است. سایر موارد

و رانت‌خواری‌ها و رابطه‌مداری‌ها هر یک به نوعی در این سه حوزه قابل واکاوی است. اِذا تَوَلَّی سَعَى فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللّهُ فِی الْآخِرِ الْقَسَدَ، (بقره/۲۵). آنچه بیشتر محل بحث ماست، دست‌درازی به بیت‌المال است که با تصرف پست مدیریت و وارد قدرت شدن (دومین فساد)، توان و مقدمات دست‌درازی فراهم می‌شود (سومین فساد) و با انواع تطمیع و به تور انداختن (مانند درگیرشدن در اولین فساد) در مجموع اسباب حیف‌ومیل بیت‌المال به وجود می‌آید. اگر نظام رقابتی مدیریت‌وری آزاد و مدیانیی دلسوزانه و بانک اطلاعاتی نظام‌مند در شناخت منابع انسانی داشته باشیم، اگر نظام نظارتی خودجوش غیرمستقیم و مستقیم خوبی به کار گیریم، امکان خرید و فروش سمت‌ها یا معامله آنها با درخواست‌های خاص به سمت صفر میل می‌کند و تعارض منافع پدید نمی‌آید. در جوامع صنعتی نظام کارآمد اجتماعی وجود دارد و علی‌رغم رشد بر مبنای رقابت و پاداش بر اساس کارآفرینی، نظارتی که سامانه اجتماعی به عمل می‌آورد، جلوی حرکت و اقدامات فسادآلود را می‌گیرد. ضوابط و گردش اطلاعات به‌طور شفاف، به‌علاوه آزادی بیان، مطبوعات و… اجازه تخلف را نمی‌دهد و در صورت وقوع، بازخواست و تنبیه متناسب، مانع تکرار می‌شود. در جوامع عقب‌مانده و در حال رشد، خلا ناکارآمدی سامانه اجتماعی – به قول یک هنرمند سینما– با پیچیدگی و چندرویی افراد بر می‌شود که قرآن به آن چهره منافقانه می‌گوید. پرونده‌هایی که سازوکار اختلاس‌های انجام‌شده در شرکت‌های بیمه، بانک و صنایع بزرگ و تجارت خارجی (هرچند گفت محدود شده‌اند)

را نشان می‌دهد، گویای این مطلب است. در جهان سوم ناظران نیز اغلب وابسته به هزار فامیل و رفیق هستند یا خریداری و مدیون می‌شوند؛ بنابراین به طرق مختلف گاه از متخلفان رفع اتهام با تنبیه صورت‌سازی می‌شود. اگرچه کار ریشه‌ای تربیت آدم‌های سالم در جامعه است و باید فرایند تربیت انسان از خانه تا مدرسه، کوچه و بازار و محیط کار از آموزش‌های مستقیم تا غیرمستقیم و ضمنی، به گونه‌ای باشد که اساسا هزینه نظارت به حداقل برسد. مع‌الوصف چون شیاطین در قالب نفس آماره درصد انحراف ما هستند، چاره‌ای نیست تا نظام مدیریایی سالم و نظارت بر عملکردها را به روش صحیح عملیاتی کنیم و سامانه اجتماعی مناسبی را به اجرا گذاریم تا جلوی دادوستدهای فرصت‌طلبانه (رانت‌خواری) گرفته بشود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های امنیتی بیش از پیش، توجه به کشف، جذب، رشد و نگهداری منابع انسانی کارآمدی که در ظرف عام اجتماعی وجود دارد، داشته باشند. اگر نظام اجتماعی مدیران سالم، متعهد و دانشمند را در رأس امور و در بدنه مدیریتی قرار دهد و نظام نظارتی کارآمدی نیز فعال باشد، مسائل اجتماعی حل می‌شوند؛ همان‌طور که حق تعالی فرموده است امور مهم اجتماعی ازجمله اقعاع جامعه را نباید به دست آدم‌های ضعیف سپرد (نساء/۵). برنامه و سیاست‌های مؤثر و مفید از سوی منابع انسانی متعهد و متخصص طراحی و به اجرا گذاشته می‌شوند. فردی که بیساری حاد دارد و سراز پزشک ضعیف بود، درمان نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۴

سیاست

نگاهی به ۳ ترور در تاریخ معاصر ایران



سانسور کتاب در وزارت فرهنگ بود که آن را نپذیرفت و به روزنامه اطلاعات رفت؛ اما آنجا مسعود چند سال بعد از بازگشت به سراغ انتشار روزنامه رفت. روزنامه مرد آزاد که مورد پذیرش دولت قرار نگرفت، مرد امروز را هم‌زمان با روزنامه کیهان در ۲۹ مرداد ۱۳۲۱ به‌صورت هفتگی و با همکاری نصرالله شیفته منتشر کرد.

مرد امروز در طول عمر خود در ۱۳۸ شماره منتشر شد. مسعود چند سال بعد از بازگشت به سراغ انتشار روزنامه رفت. روزنامه مرد آزاد که مورد پذیرش دولت قرار نگرفت، مرد امروز را هم‌زمان با روزنامه کیهان در ۲۹ مرداد ۱۳۲۱ به‌صورت هفتگی و با همکاری نصرالله شیفته منتشر کرد.

اما معروف‌ترین مطلب این نشریه مربوط به فراخوانی در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۲۶ برای ترور قوام‌السلطنه بود که برای سر او صد هزار تومان جایزه گذاشته بود و باعث شد قوام مدتی بیشتر مراقب خود باشد. هرچند پیش از این مطلب مرد امروز با همین روش کار می‌کرد و اشرف پهلوی، دربار و حزب توده را مقصد حملات مطبوعاتی خود قرار داده بود؛ از پالتو اهدایی استالین به اشرف تا نفت شمال و حزب توده!

اما پایان مسعود چندان مثل توقیف روزنامه مرد امروز نبود که پس از مدتی از سر گرفته شود. محمد مسعود در ساعت ۱۰ شب ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ در خیابان اکباتان مقابل چاپخانه به ضرب گلوله کشته شد. کارگر چاپخانه که مسعود را به فرمان ماشین یافت، به سراغ نصرالله شیفته رفت و گفت انگار حال آقا به هم خورده است و مسعود را به بیمارستان شفا رساندند که در آنجا متوجه شدند با یک گلوله کشته شده است. پرویز خطیبی با نقل خاطره‌ای از او می‌گوید: «دو هفته قبل از مرگ محمد مسعود، من و او در یک کارخانه رستوران در خیابان شاهرضا (انقلاب) باهم روبه‌رو شدیم. مسعود تنها بر سر میزی نشسته بود. وقتی مرد دید اصرار کرد که در کنارش بنشینم، خیلی عصبی و ناراحت به نظر می‌رسید و به زمین و زمان فحش می‌داد. چندشب پیش – در جشن سالگرد روزنامه مرد امروز – مسعود پشت میکروفن رفته بود تا ضمن سخنرانی خود از اینکه مدت‌هاست روزنامه‌اش را توقیف نکرده‌اند، از مسئولان تشکر کند. اما ناگهان برق قطع شد و در آن سکوت و تاریکی مجلس جشن به هم خورد [و] گویا به مسعود گفته بودند به دستور شهربانی این عمل انجام شده است و او در شماره بعد مرد امروز به‌شدت به دولت و شهربانی حمله کرد و همین حمله سبب شد تا باز مرد امروز دچار توقیف و تعطیلی شود.»

عده‌ای قتل را به گردن اشرف، دربار، رزم‌آرا، قوام و حزب توده انداختند. روزنامه مردم ارکان رسمی توده ایران در پی این واقعه نوشت: «... کشتن یک مدیر روزنامه (مقتدر برای ایجاد وحشت و رعب – است) ... ترور برای منظور سیاسی و برای از میان برداشتن آزادی قلم، طلیعه ایجاد حکومت دیکتاتوری و قلدری است.»

قتل مسعود اتهام خوبی برای سنگین‌کردن

یک نمونه تلخ‌توجه است: زیرا حکومت مستقر و قدرت دولتی نقشی در آن نداشت و در این نمونه شاهد قتل درون جریان هستیم (هرچند ادعاهای نقض نیز درباره مشارکت ساواک وجود دارد)، قتل‌های درون‌جریانی نیز در تاریخ ما از سابقه مفصلی برخوردارند که در سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز قتل عبدالله پنج‌شاهی نمونه دیگر این فجایع درون‌جریانی است.

طرح اتهامات جدید علیه روحانی در مجلس

رئیس‌جمهور سابق متهم به اخلال در بورس شد

۲۰۰ تومانی انجام داده است، برای بررسی و پیگیری، مستندات را به رئیس قوه قضائیه ارسال کرده‌ایم تا ایشان به این موضوع رسیدگی کنند. آقای ازهای در این جلسه قول پیگیری این مسائل را دادند. پژمانفر درخصوص پرونده کرست هم که اصولگرایان معتقدند دولت دوازدهم متهم عدم پیگیری صحیح آن است، گفت: پرونده کرست هم از جمله موضوعاتی بود که در آن جلسه مطرح شد که نتیجه خوبی هم داشت. پرونده کرست به واسطه فساد واضح و روشنی که در آن وجود دارد و رشوه‌ای که داده شده، باید حتما مورد پیگیری قوه قضائیه قرار گیرد. دولت قبل پرونده کرست را در فضای بن‌بست و محرمانه قرار داده بود، آقای زنگنه با محرمانه‌کردن اجازه ورود دستگاه‌های امنیتی و مجلس را به موضوع نمی‌داد. حتی مصاحبه‌ها و اخباری که در موضوع کرست وجود داشت در اخبار نقل نمی‌شد. آقای ازهای دستور دادن پرونده کرست فعال بود. این مقدار بررسی کند، اما مجلس این شعبه را برای رسیدگی مؤثر می‌داند. پژمانفر در پایان هم توضیح داده است: در موضوع وزارت نفت بیش از ۱۷ پرونده فعال داریم که حاصل ۶۰ شکایتی است که از وزیر نفت سابق شده که در حال جمع‌بندی است. مجلس‌یازدهمی‌ها با شروع به کار خود وقتی با در بسته استیضاح مواجه شدند، فریاد محاکمه سر دادند و با اتمام دوره ریاست‌جمهوری روحانی و آغاز دولت‌مورد حمایت مجلس، همچنان نمایندگان اصولگرا به دنبال تسویه‌حساب سیاسی هستند و گویی تنها چاره حل مشکلات کشور در تخریب چهره

تحت تأثیر تقی شهرام دست به قتل هم‌رزم خود زد. درحالی‌که اگر شریف واقفی به قتل نرسیده بود و سازمان مجاهدین دچار تغییر ایدئولوژی نمی‌شد، شاید روند مبارزه با کینه‌های جناحی کمتری ادامه می‌یافت.

باید به این نکته توجه کرد که زنده‌بودن شریف و افراخته چندان صدایی در سازمان و میان مبارزان نداشت، اما قاتل و مقتول‌شدن این دو چهره صدایی به پا کرد که هنوز هم شنیده می‌شود. با وجود شرایط آن دوره نیز به نظر نمی‌رسید با ابعاد گسترده فعالیت چریکی که تیم شریف واقفی و در مقابل آن افراخته و نیروهای شهرام داشتند یا حداقل به آن فکر می‌کردند. توانایی زنده‌ماندن در آن وضعیت را پیدا کنند و احتمالا مانند دیگر مبارزان در نبردهای خیابانی کشته یا به دست ساواک می‌افتادند. در نتیجه مسئله صرفا مرگ یک نیروی سیاسی نیست؛ مسئله چگونگی و ماهیت مرگ یک نیروی سیاسی است. البته بعد از انقلاب مجاهدینی که رسماً شروع به فعالیت کردند، این واقعه را گردن گروهی تحت عنوان اپورتونیست‌های چپ‌نما انداختند و مدعی شدند محاکمه تقی شهرام، تنها در صلاحیت آنهاست. خون مجید نیز با خون شهرام پاک نشد و تمام طرفین دعوا یکدیگر را نه‌تنها نبخشدند، بلکه به نبرد تاریخی ادامه دادند.

در این میان جا دارد اشاره‌ای داشته باشیم به ادعای عبدالله شهزای که مدعی ارتباط و همکاری تقی شهرام با ساواک است. او معتقد است این قتل‌ها و به‌طور کلی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین از سوی تقی شهرام با هدایت ساواک به جهت ایجاد اختلاف میان نیروهای سیاسی انجام شده است و نقش ساواک را نیز می‌توان در این زمینه در نظر گرفت که به نوعی از میزان قتل درون‌جریانی این واقعه می‌کاهد. در مقابل برخی معتقدند مجاهدین از آغاز جنین التقاط‌های فکری‌ای داشته‌اند و این روند ناگزیر بود.

آیت‌الله شمس‌الوالحسن شمس‌آبادی

آیت‌الله سیدآبادی به‌خودی‌خود، به‌ویژه در اصفهان و میان مردم مذهبی، نامی مطرح بوده است؛ اما این نام برای عدهٔ مردم به واسطه قتل ایشان به دست تیم سیدمهدی هاشمی اشناست؛ وحید افراخته و حسین سیاه‌کلاه به قتل رسید اما این قتل آن‌چنان‌که گفته شد، در حد چند کلمه صورت نگرفت و در دل خود داستان‌ها و نتایجی را دارد که هنوز هم می‌توان رگه‌هایی از آن را احساس کرد. نتیجتاً در این حوزه ما با یک قتل از چهار زاویه ایدئولوژیک، نظامی، سیاسی و تشکیلاتی مواجه هستیم.

قتل شریف‌واقفی برخلاف دیگر قتل‌های سیاسی یک نمونه تلخ‌توجه است؛ زیرا حکومت مستقر و قدرت دولتی نقشی در آن نداشت و در این نمونه شاهد قتل درون جریان هستیم (هرچند ادعاهای نقض نیز درباره مشارکت ساواک وجود دارد)، قتل‌های درون‌جریانی نیز در تاریخ ما از سابقه مفصلی برخوردارند که در سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز قتل عبدالله پنج‌شاهی نمونه دیگر این فجایع درون‌جریانی است.

برگردیم به قتل شریف؛ این واقعه از نظر تاریخی پشت‌سر خود تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین

خلق را به همراه دارد. درحالی‌که دیگر نه مجیدی بود نه افراخته‌ای، اما کینه میان نیروهای سیاسی و قدر محکم و پایدار ما ماند که مجاهدین و نیروهای مذهبی را به تقابلی خونین کشاند. از سوی دیگر قاتل این ماجرا به گفته بیشتر شاهدان نه سوادی آن چنانی داشت و نه اعتقاد درستی، بلکه صرفا یک ماجراجوی سیاسی بود که

دولتمردان دولت تدبیر و امید خلاصه شده است. این در حالی است که به گفته محمدعلی پورمختار، فعال سیاسی اصولگرا، نمایندگان فعلی در مجلس نگران‌اند که اگر از دولت جدید انتقاد کنند یا از وزیر سؤال ببرند یا درصدد استیضاح برآیند، مغضوب دولت شوند. از این رو امید به محاکمه روحانی و کابینه او برایشان به امری حیثیتی تبدیل شده و هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند. هرچند احمد علیرضاییکی نماینده اصولگرای مجلس در گفت‌وگو با «شرق» این تلاش‌های نمایندگان مجلس را بی‌حاصل توصیف کرده بود. پرونده‌سازی‌هایی که در آن می‌توان فهرستی از چهره‌ها از محمدجواد ظریف گرفته تا معصومه ابتکار را دید. از آذری جهرمی بابت پنهانی باند تلگرامی که فیلتر شده انتقاد می‌کنند از ابتکار بابت انتقاد از بنزین بی‌کیفیت داخلی، از یک سو محمدجواد ظریف را به خیانت محکوم می‌کنند و انتشار مصاحبه او را قراردادن مجلس در دیپلماسی در برابر هم تعبیر می‌کنند که مستوجب مجازات است. از سویی دیگر به زنگنه و آخوندی و جهانگیری حمله‌های متناوب می‌کنند. این حملات در حالی ادامه دارد که چندی پیش قالیباف نامه مقام معظم رهبری را در مجلس قرائت کرد. رهبر انقلاب در تذکرۃ خطاب به نمایندگان مجلس پس از متخلف‌دانستن حسن روحانی و اسحاق جهانگیری در پرونده بورس‌هاه تأکید کردند: نباید پیش از اثبات جرم، موضوع را رسانه‌ای می‌کردند. دنبال کنید و به نحوی جریان شود. اما این هشدار هم مانند هشدارهای قبلی رهبر انقلاب به مجلس گویا نادیده گرفته شده و همچنان نام متهمان پرونده‌های کمیسیون اصل ۹۰ از تریبون‌های رسمی بیان می‌شود. دیروز هم نام روحانی و زنگنه برای چندمین بار نه به‌عنوان متهم که به عنوان مجرم مطرح شده است. درحالی‌که هنوز خبری از تشکیل هیچ پرونده قضائی علیه روحانی منتشر نشده و تلاش نمایندگان تاکنون بی‌نتیجه بوده است.

روزنه

برگزاری دادگاه رسیدگی به سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی

۱۰۳ شاک‌ی در برابر ۱۰ متهم

● **شرق:** بعد از نزدیک به دو سال از سانحه سقوط پرواز 752ps اوکراینی، دادگاه رسیدگی به آن در دادگاه نظامی استان تهران به ریاست ابراهیم مهرانفر برگزار شد. هرچند اعلام شد خانواده جان‌باختگان و وکلای آنان نیز در دادگاه حضور دارند، باین‌حال بنا بر تصاویری که در برخی رسانه‌ها منتشر شد، بعضی از خانواده‌های جان‌باختگان هم در بیرون دادگاه تجمع کرده بودند و به روند دادرسی اعتراض داشتند.

حدود ساعت شش صبح ۱۸ دی ۹۸، هواپیمای مسافری ۳۷۷ اوکراینی که ۱۷۶ مسافر داشت، پس از بلندشدن از فرودگاه امام خمینی(ره) در منطقه خلیج‌آباد بین شهریار و پرند بر اثر اصابت موشک سقوط کرد و تمام سرنشینان آن جان باختند. سه روز بعد ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح در بیانیه‌ای اعلام کرد اشتباه انسانی دپافند هوایی یکی از مراکز حساس نظامی سپاه باعث شلیک موشک به این هواپیما و سقوط آن شده است.

پس از آن مقام معظم رهبری این ستاد را مأمور پیگیری کوتاهی‌ها یا تقصیرهای احتمالی در این حادثه و مراقبت برای عدم امکان تکرار چنین سانحه‌ای کردند.

حسن روحانی، رئیس‌جمهوری وقت هم در بیانیه‌ای اعلام کرد که باید تحقیقات تکمیلی برای شناسایی همه علل و عوامل این فاجعه ادامه یافته و مسببان این اشتباه ناخوشودنی مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، در نشست خبری عنوان کرد که بررسی پرونده در مراجع بالاتر و قوه قضائیه در جریان است، همه مسئولیت این حادثه را می‌پذیریم و هرگونه تصمیمی که مسئولان بگیرند مطیع اجرای آن هستیم.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، جلسه دادگاه روز گذشته در حالی برگزار شد که قاضی آن در ابتدا با تسلیت شهادت جان‌باختگان اعلام کرد: «در جریان رسیدگی به پرونده حاضر، متعاقب صدور کیفرخواست از سوی دادرسی نظامی تهران و ارسال پرونده به دادگاه نظامی و اراج به این شعبه دادگاه، کلیه مقررات آیین دادرسی کیفری لحاظ شد و هیئت دادگاه، پرونده را آماده رسیدگی دانست و جلسه دادگاه و وقت رسیدگی به تمامی اولیای دم ابلاغ شد و به آنها اعلام گردید که می‌توانند در صورت تمایل در جلسات دادرسی حضور به هم رسانند و نسبت به طرح شکایت خود اقدام کنند».

او ادامه داد: «تأکید دادگاه بر رعایت اصول دادرسی منصفانه و حساسدی عادلانه، شفاف، صریح و قاطع به پرونده حاضر است و امید داریم با یاری خداوند و مساعدت اولیای دم، بتوانیم با دقت و سرعت و جدیت به این پرونده رسیدگی و رای مقتضی را صادر کنیم». در ادامه جلسه دادگاه که ۱۰ متهم از رده‌های مختلف نظامی حضور داشتند، قاضی دستور دارد فصل اول کیفرخواست قرائت شود. نماینده داستان نیز در جریان قرائت کیفرخواست، به ذکر اسامی شکات، خلاصه شکایت و اظهارات شاکیان را مطرح کرد.

او با قرائت اظهارات شاکیان پرونده به بیان درخواست‌های آنها پرداخت و گفت: «تحقیقات جامع و بی‌طرفانه دادرسی نظامی برای کشف حقیقت و شناسایی عوامل و اشد مجازات براساس نوع مسئولیت آنها؛ تعقیب افراد و عواملی که با عدم اقدام مناسب بعد از وقوع حادثه باعث اخلال در کشف حقیقت شده‌اند؛ شناسایی و تعقیب و مجازات کسانی که اقدام به سرقت اشیای جان‌باختگان کرده‌اند، مورد توجه بوده است».

بن بر این گزارش در میان قرائت کیفرخواست برخی از اولیای دم و تعدادی از وکلای آنها نظرات خود را درباره فرایند دادرسی اعلام کردند و گفتند پرونده به سبب اینکه پس از اعلام نظر کارشناسی به شکات و وکلای آنها ابلاغ نشده است، نقض دارد. قاضی ایراد شکات و وکلا را وارد دانست و گفت دادگاه به‌همین‌دلیل بخشی از پرونده را برای رفع نقض به دادرسا داده است.

همچنین قاضی مهرانفر در پاسخ به سخنان برخی از وکلای اولیای دم جان‌باختگان که معتقد بودند تنها کیفرخواست را قرائت کرده‌اند و موفق به مطالعه مجلدات پرونده نشده‌اند، عنوان کرد: «دادگاه در جریان دو دوره ۱۰ روزه به شکات و وکلای آنها وقت داد تا ایرادات خود به نواقص پرونده را اعلام کنند و در موارد دیگر نیز به وکلای جان‌باختگان ابلاغ شد که برای مطالعه پرونده به شعبه دادگاه مراجعه کنند که اگر این کار را نکرده‌اند نمی‌توان این امر را ناشی از کوتاهی دادگاه دانست».

همچنین در بخش اول کیفرخواست، نماینده گزارش از دادگاه در حالی از سوی مرکز رسانه قوه قضائیه به‌صورت خلاصه‌شده منتشر شده است که معنی آن تنها می‌تواند گزینشی‌متشکرکردن جزئیات یک دادگاه علنی باشد و این درباره دادگاه‌های علنی دیگر که تنها خبرنگار خبرگزاری میزان در آن شرکت داده می‌شود نیز صدق می‌کند.